خورد ظابطی بجای افسران وفادار دوران داودی ارتقا یافته بودند با بروت های آویخته و حنجره های « هُورا» گوی ویکعده عساکر زیر خدمت قرار داشتند ،ازکلیه سامان آلات حربی حکومت افغانستان که به قیمت مال مردم خریداری شده بود ، برعلیه خود مردم کار گرفته میشد مردم بدلیل اعتقاد راسخ به اسلام و وعده های مکرر قرآنی راجع به فضایل شهید و غازی که نتیجه یك فرد مسلمان درجهاد است از روحیه عالی برخوردار بودند . همچنان از قدیم الایام میان مردم افغانستان « کافر » را ترسو هیچ کاره وناتوان میدانستند درحالیکه خیمه کمونیستان درزیر همین چتر قرار داشت .

کمونیستان مرجع امید بخشی جز شعار « پیروزی کمونیزم !» سراغ نداشتند ، که هرلحظه غلطی این شعار بدریچه قلب شان تك ، تك میزد . درصفوف قوای رژیم ، از مجاهدین تصورات عجیبی وجود داشت ، ایشان را مردمان تنومند وقوی جثه ، ضد گلوله ، نشانچی ماهر و مجهز به اسلحه مدرن می پنداشتند واز یورش دلیرانه شان درخوف وهراس بسرمیبردند . در صورتیکه تصورات مجاهدین برعکس بود خوب بیاد دارم ،وقتی در اولین قیام پنجشیر سال ۱۳۵۸ جت های رژیم به بمباردمان پرداخت دسته ، دسته مجاهدین به محل اصابت بمب که حفره ای بزرگی ایجاد کرده بود ، به تماشا می آمدند وبین شان شایع بود که این بمب اتم روس است . واین خطرناکترین بمب روس است وازین بالاتر سلاحی وجود ندارد ودلشاد ازینکه بمب اتوم هم یك چیز

تبلیغاتی بوده بصوب دلخواه شان برمیگشتند ، وهمچنان پوش بمب دیگری راکه سالم مانده بود مجاهدین آنرا دم طیاره می انگاشتند ، که باثر اصابت گلوله ماشیندار قوماندان شان (مسعود ) قطع شده وبه زمین ریخته بود . وحشت این قیام بحدی بالای افراد کمونیست بود ، که از کلمات جدید هم به لرزمی آمدند وکندك های رژیم دربرابر یك کلمه پا بفرارمی نهاد مثلاً دربدخشان مجاهدین که اکثراً فقط « تایاق » چیز دیگری نداشتند ویا آن بجنگ خصم میرفتند ، برآن نام « یك تو خلاص » گذاشته بودند . یعنی برای استفاده از آن طبیعی بود که باید یکبار دورسرتاب داده شود ، ولی تصور افراد کمونیست ازآن چیز دیگری بود ، خیال داشتند که نام اسلحه مدرنی ساخت چین یاامریکاست .

درمیان فرماندهان مجاهدین فقط عده ای کمی بود که به تاکتیکهای جنگی بلدیت داشتند، آنهم افرادی که در دستگاه حکومات سابق وظیفه افسری داشتند . بقیه مامورین ملکی محصلین پوهنتون کابل ویا زراعت پیشه گانی بودند که تعداد اندکی ازآنها درخانه تفنگ شکاری داشتند ویا علاقمند شکاربودند عموماً مجاهدین در دسته های نامشخص سنتی که غالباً هردسته از افراد یك قوم یا قبیله تشکیل شده بود ، بسوی سنگرها سوق میشدند واز جانب رژیم تره کی عده ای از افسران تحصیل یافته درشوروی ، عساکر زیر خدمت وجوانان قسی القلب کمونیست ملوث با افکار الحادی بدستورمشاورین روسی

وظیفه دفاع از « انقلاب ثور!» را بگردن داشتند کاروانهای طویل از مرز شوروی به کابل اسلحه وآذوقه میرساند و هر مجاهد درین جریان مال ومتاع شخصی واقاربش را برای مصرف دراختیار داشت ، وهمچنان غنایم جنگی که از نیروی های رژیم وخانه های کمونیستان سرشناس بدست میآمد ایشان را از لحاظ مالی کمک میکرد . تعداد انگشت شماری از بعضی جبهات از سرحد پاکستان مقداری کارتوس به جبهات حمل میکردند که برای تفنگ های دست داشته کافی بود ، ولی بزودی انبارهای سلاح ومهمات بدست مجاهدین افتاد ومجاهدین برای مقابله با دشمن از خودش سلاح بجنگ آوردند .

مردم دربرابر کمونیستان درخانه وشهر خود برضد کمونیستان میرزمیدند ، درحالیکه قوای کمونیست مرکب از افراد مناطق مختلف افغانستان بود که به محل درگیری ها آشنائی شان کمتر بود .

قیام های مردمی در سراسر افغانستان که برجسته ترین آنها قیام هراتیان در ۲٤ حوت ۱۳۵۷ وشهریان کابل ( قیام چنداول) را میتوان نام گرفت و حرکت های افسران مسلمان درداخل اردو مثلاً حرکت بالاحصار کابل ، پیوستن غند کوهی اسمار وفرقه ۱۷ هرات به مجاهدین هرلحظه حیات رژیم را تهدید میکرد .

همچنان درداخل دستگاه رژیم درهمان چند ماه اول جنگ قدرت بین حزب خلق وپرچم اوج گرفت و پرچمی ها از پست های حساس سبک دوش شدند واز آن گذشته بالش حفیظ الله امین

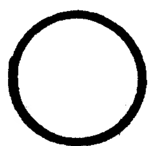
## مرحله دوم: از تجاوز تا فرار

رژیم کابل از برون باخطر تقریباً دوصد جبهه مردمی مواجه بود (۳) از درون تضاد داخلی حزب خلق وپرچم هرروز بیشتر شده میرفت وافراد اردوی رژیم بطور فزاینده به مجاهدین می پیوستند .

دهان نورمحمد تره کی را فشرد و صدایش را برای همیشه خفه کرد وخود براریکه قدرت تکیه زد .

گرچه حفیظ الله امین سعی نمود تا اختلافات قومی ومذهبی را میان مردم افغانستان ایجاد کند ومردم را بین هم بجنگاند ،مثلاً کوشید با مسلح کردن اهالی وردك ( پشتون - سنی ) ایشان را دربرابر ساکنان هزاره جات ( هزاره - شیعه) تحریك کند ، ولی خوشبختانه مردم مسلمان وردك همین که ۱۷ هزار میل سلاح را از رژیم بدست آوردند ، برضد خود رژیم شوریدند وبه جهاد آغاز کردند ، که درنتیجه رژیم را بیشتر درمعرض خطر قرارگرفت .

منازعات درونی خلق وپرچم ازیکسو و چهره های خشمگین مجاهدین از سوی دیگر ، پیوسته کمونیستان را آزار میداد و ایشان را جنون زده ساخته بود ، ازین رو همین که با مقاومتی روبرومیشدند ، با مهلك ترین سلاح ها به پاسخ آن می پرداختند که در لحظه ای ده ها انسان مظلوم وبیدفاع بخاك وخون می غلطید که بهمین اساس میتوان مرحله اول جهاد را خونین ترین ایام جهاد نامید .



درچنین حال وهوائی طوریکه بعدها ازجانب شوروی ورژیم کابل اعلان شد، میان حفیظ الله امین وانجنیر حکمتیار ارتباطی قایم شده بود که براساس آن طرح تقسیم قدرت میان دوطرف ریخته شده بود . این امر در آن زمان هرچند قابل پذیرش نبود ،ولی با وقوع کودتای نافرجام « شهنواز تنی » صحت آن ادعا قوت گرفت .

روسیه ، که از چندین دهه بدینسو درپی اشغال افغانستان بود ، در بهار ۱۳۵۸ رئیس سیاسی اردوی شوروی را برای بررسی اوضاع افغانستان به آن کشور فرستاد که حسب نظرآن به تعداد مشاورین واسلحه شوروی درافغانستان افزدوه شد وسپس درخزان همان سال هئیت نظامی بلند پایه ای به سرکردگی جنرال « پانفسکی »معاون وزارت دفاع شوروی که قومندانی قوای شوروی رادرحمله به چکوسلواکیابعهده داشت اعزام شد . هئیت مذکور با توجه به وضع آشفته رژیم کابل و بی علاقگی غرب نسبت به افغانستان وضعف رهبران کشورهای منطقه فرصت را مغتنم شمرده اوضاع را برای تجاوز قوای شوروی مساعد خواند. ناگفته نماند ، مشاورین روسی که از قبل به افغانستان آمده بودند زمام اردوی افغانستان را کاملاً دردست گرفته بودند ، ومانعی ازناحیه ارتش افغانستان محسوس نبود سرانجام ۸۵ هزار سرباز شوروی ازطریق هوا وزمین بتاریخ ۶ جدی به افغانستان تجاوز نمود که این تجاوز برخلاف انتظار شوروی وتصورات ناظرین خارجی بعداز نه سال و یکماه وهژده

روز جنگ خونین از جانب مجاهدین غیور افغانستان به عقب رانده شد . در طول این مدت ، جنگ افغانستان مدوجذر هلی داشته که یا توجه به پالیسی جنگي شوروی برای ترسیم بهتر تحولات آن این مرحله رابه چهار دوره فرعی تقسیم میتوان کرد :

الف : دوره نمایش قواء
ب : دوره جنگ ضد چریکی
ج : دوره حمله بالای جبهات منظم جهادی
د : دوره آمادگی برای فرار .

## الف : دوره نمایش قدرت :

تجاوز قوای شوروی به افغانستان بکلی جنگ آن کشور را دگر گون ساخت ، قدرت سیاسی - نظامی افغانستان دردست روسها افتاد وآزادی سیاسی آن کشور ازبین رفت .

کشورهای منطقه ودول غرب که بابی تفاوتی جنگ افغانستان رانظاره میکردند ، یکپاره تکان خوردند و به ریشه های اصلی آن جنگ وعواقب وخیم تجاوز شوروی به افغانستان پی بردند .
هرچند اکثر رهبران جهان افغانستان را کشوری از دست رفته بکام اژدهای سرخ میدانستند ، طوریکه « کارتر» رئیس جمهور امریکا قضیه افغانستان را تمام شده تلقی نمود وتحلیلگران غربی عمر مقاومت مردم افغانستان را دربرابر ارتش سرخ بین یکماه تاسه ماه می انگاشتند و روسیه نیز درنظر داشت ، بسان کشورهای اروپای شرقی ( هنگری ۱۹۵۶ ویا چکوسلواکیا

1968 ) در ظرف چند روز میتواند مجاهدین راسرکوب نماید واوضاع افغانستان را به نفع خود آرام کند .

با تجاوز قوای شوروی به افغانستان « ببرك كارمل » که درعهد تره کی برکنار شده بود . بجای حفیظ الله امین نصب شد و روی دیگر سکه یعنی پرچمی ها بالا آمد .

تجاوز شوروی ، خشم مردم افغانستان را شعله ورتر ساخت وبرای مبارزه مصمم تر .زیرا ایشان قبلاً تنها دربرابر کمونیستان داخلی سیرزمیدند ، ولی حالا در برابر قوای کمونیست خارجی که دین ،آزادی ، امنیت ، مال وناموس شان درمعرض خطر جدی قرار گرفته بود ، لابد آماده فداکاری می شدند . مردم افغانستان باراه اندازی قیام های عمومی در گوشه وکنار افغانستان سرنگونی رژیم کمونیست کابل را درکوتاه مدت انتظار داشتند ولی باتجاوز قوای شوروی ،این انتظار شان از بین رفت وبجای آن برای مبارزه دراز مدت برای کسب آزادی شان آماده گی گرفتند . لذا بسرعت شکل جنگها از حالت « قیام عمومی » به « جنگ چریکی » تغیر نمود .

تجاوز ارتش سرخ که مردم دنیا درباره او افسانه ها می گفتند واز قدرت ونیروی آن داستان ها نقل میکردند ، بالای روحیه مردم افغانستان اثر متفاوتی داشت ، بعضی از مردم مبارزه برعلیه قوای شوروی را بیهوده ،ومرادف خودکشی میدانستند ازین رو درکنج ها مخفی شدند واز ترس برضد تجاوز صدائی برون ندادند ، عده ای دیگر باوجود آنکه به پیروزی شان

درجنگ علیه قوای شوروی اطمینان نداشتند ، ولی برای ادای « جهاد » که یك فریضه دینی مسلمین بحساب میرود کمرهمت بستند و برای کسب درجه علیای شهادت به میادین جهاد شتافتند ودرین میان فقط تعدادی اند کي ازمجاهدین پاکباز وجود داشت ، که درهمان ابتدای زور آزمائی ، ازورای فضای آگنده از گرد وغبار مشکلات خورشید آزادی را مشاهده میکردند .

هجوم قوای شوروی درزمانی صورت گرفت ، که قسمت اعظم افغانستان زیربرف بود وتحرکات جنگی مجاهدین ازین بابت کم شده بود . کابل مرکز افغانستان بسان اژد های سرما زده خفته بود وهردو طرف مجاهدین ونیروهای شوروی خودرا برای درگیریهای بهار آینده آماده نمودند .

هنوز یکماه از زمستان سرد کابل مانده بود ، که شهریان کابل از بالای بام های شان(۳ حوت ) « الله اکبر » سردادند وبجان متجاوزین آتش حیرت افروختند . زیراروسها شهر کابل را امنیت فکر میکردند ، ولی نعره های « الله اکبر » خیال شان را زایل نمود ودانستند که هنوز مشکل واقعی قوای روس درافغانستان آغاز نشده !!

سراز بهار ۱۳۵۹ قوای شوروی درقطارهای طویل مرکب از تانکهای سنگین و لاریهای حامل تجهیزات جنگی به حملات سنتی بالای پایگاه های عمده مجاهدین پرداخت که بیحاصل بود .

# پیروزی مشت بر شمشیر

## تحولات نظامی جهاد افغانستان

عبدالحفیظ «منصور»

این لشکرکشی ها بیشتر جنبه « نمایش قواء » را بررخ مجاهدین داشت تا یك حمله برضد نیروهای چریکی را . شوروی ها با این لشکرکشی ها درنظر داشتند تا دردل مردم افغانستان رعب ووحشت انداخته کارشان را یکسره نمایند .

عبدالحی « حقجو » قومندان جمعیت اسلامی افغانستان درولایت بغلان ،عامل اینگونه لشکرکشی هارا جهالت رهبران روس از روحیه مردم افغانستان وخصوصیات جنگ چریکی میداند(٤) .

اما حملات ناگهانی گروپهای کوچك مجاهدین که قرارگاه ثابتی نداشتند تلفات وخسارات سختی برقوای شوروی وارد آورد ، درحالیکه عساکر شوروی که اموزش جنگ های جبهوی را دیده بودند در مقابل بي ابتکاربودند . باشکست قوای شوروی درنبرد های مقدماتی روحیه مردم افغانستان را برای مبارزه بالا برد وبرعکس روزتاروز ترس براندام عساکرشوروی کسب شدت کرد .

فرارسربازان وافسران مسلمان از اردوی رژیم کابل فزونی گرفت ونارضایتی عده ای از اعضای حزب خلق وپرچم شعله وستم از تجاوز شوروی به افغانستان با تسلیم شدن به مجاهدین تبارز یافت وقطعاتی هم از نیروهای رژیم کابل ( غند کوهی اسمار ) به مجاهدین پیوستند.

قوای شوروی که عمدتاً از جمهوریت های مسلمان نشین از بکستان ، تاجکستان ، آذربایجان ... بودند باآمدن به

افغانستان با استفاده از زبان مشترك این دوملت با مردم افغانستان داخل تماس شدند وگاه گاهی ناخوشی خودرا از اشغال افغانستان نشان میدادند وبا فرستادن مقادیری مهمات وبا لوازم جنگی دیگر به مجاهدین همدردی این جوانان به نمایش گذاشته شد . این امر ، درپهلوی نابلدی به محیط ومردم افغانستان جلو پیروزی قوای شوروی را درعرصه نظامی سلب کرده بود . لذا بزودی موضوع از جانب افسران روس درك شده وعساکرروسی الاصل جای عساکرتاجك وازبك را درافغانستان گرفت .

از لحاظ تبلیغاتی ، قضیه افغانستان درسرخط سرویس های خبری جهان قرارگرفت وبرای مجاهدین کمکهای نظامی از قبیل راکت ضد تانك ( R.P.G.7 ) و ( AK- 47 ) ساخت مصر کم کم رسید .فرماندهان مجاهدین پایگاه ها وتشکیلاتی برای مدافعه ترتیب نمودند که درین ارتباط سلیقه ها و استعداد شخصی هریك از ایشان نقش بازی نمود . آنهائیکه سوابق کار درارتش افغانستان راداشتند ، جبهات تحت قومنده شان شکل اردوی منظم را گرفت مثلاً درنواحی هزاره جات وهرات ودرمناطقی که فرماندهان شان را افراد متنفذ محلی تشکیل میداد . سازماندهی جنگی در دسته های قومی محدود ماند واحمد شاه مسعود در پنجشیر طرح یك جنگ چریکی را ریخت و مجاهدین را درگروپهای منظم چریکی ترتیب نمود .

## ب : جنگ ضد چریکی :

شکست های متواتر قوای شوروی درجنگ علیه مجاهدین باعث آن شد تا شوروی افراد بیشترواسلحه بهتری را وارد جنگ افغانستان نماید واز تاکتیکهای ضد چریکی استفاده کند بدین منظور در خزان ۱۳۶۰ مارشال « سوکولوف » معاون وزارت دفاع شوروی از افغانستان دیدن نمود که درنتیجه برای قوای شوروی درجنگ علیه مجاهدین استراتیژی جدیدی طرح کرد(۶)

۱ به تعداد عساکر شوروی افزوده شد طوریکه درسال های ۱۳۶۰، ۱۳۶۱ و ۱۳۶۳ ( ۵ ) ده ، ده هزار تن به تعداد سربازان شوروی در افغانستان تزاید بعمل آمد . درحالیکه « ۳۰ » هزارنیروی جنگی دیگر درمرز شوروی جابجا بود که همیشه از آن درحمله بالای پایگاه های مجاهدین درولایات شمال افغانستان بکار میرفت (۷) وجدا از آن منطقه استراتیژیك « واخان » درهمان ابتدای تجاوز خالی ازسکنه شده بود وحدود ۵ . هزارتن سرباز شوروی بامدرنترین سلاح ها درآن جابجا شده بودند.«واخان » استثناً ازتاجکستان اداره میشد درحالیکه مرکز رهبري افغانستان تاشکند بود .

۲ سربازان شوروی آموزش های جدیدی را جهت مبارزه با مجاهدین سپری نمودند ، که برای نخستین بار دربهار سال ۱۳۶۱ بالای پنجشیر از قوای دیسانت کارگرفته شد . وسپس حملاتی بدینسان بالای « لوگر» « وردك » و « غوربند » انجام یافت باوجود آن درسال ۱۳۶۲ دوشهربزرگ افغانستان قندهار

وهرات بجز نواحی اطراف مراکز شوروی آزاد شد .

**۳** دربرنامه جدید به تشدید جنگ علیه مردم ملکی واهداف غیر نظامی اولویت داده شد، ازین رو از هوا وزمین منازل مسکونی و منابع مالی مردم هدف قرار گرفت بمبارد منازل مسکونی بقدری شدید بودکه درمواردی هم بجای بمب ،سنگهای بزرگ را ازهوا پیما برای تخریب منازل میریختند که دراثر آن چند ملیون افغان خانه وکاشانه شان راترك گفتند وبه کشور هاي همسایه مسلمان پناه بردند .

شورویها فکرمیکردند باتشدید جنگ علیه مردم ملکی یکی از دو چیز رابدست خواهند آورد ، یا مردم علناً به رژیم کابل می پیوندد و « ملیشه » میشوند ویا افغانستان راترك گفته بخارج هجرت می نمایند . که درهر دو صورت مجاهدین از حمایت مستقیم شان محروم میماند .

خشونت عساکر شوروی را علیه مردم ملکی از عمده ترین اشتباهات شوروی میتوان بحساب آورد . زیرا ایشان دربرابر یك نیروی انقلابی چریکی میرزمیدند وایجاب میکرد که برای بدست آوردن رضایت عمومی مردم نه تنها کاری بکار مردم نداشته باشند ، بلکه دربسیاری موارد باید ایشان را کمك می نمودند ، چنانکه سربازان امریکائی درویتنام با یکدست می جنگیدند وبادست دیگر به دهقانان کمك میکردند (۸) .

**٤** تلفات ... قوای شوروی درسال های نخست ، روحیه ایشان را ضعیف کرد نابرین برای ادامه جنگ ها سیاست



«کشتن افغان بوسیله افغان» ، رادرپیش گرفتند که به موجب آن عساکر افغانی رادرصف مقدم محاربه قرار داده وازیشان بستان گوشت دم توپ استفاده میکردند . برای جلب وجذب ، ملیشای قومی ، مساعی بخرج دادند وهسته های درمسیر جاده های عمده اکمالاتی ودراطراف شهر هابوجود آوردند .

آنچه که درجذب نیرو های ملیشا شورویها را کمک کردعمدتاً سه عامل بوده است :

۱- فشار نظامی
۲- ضعف اقتصادی
۳- جنگهای تنظیمی

حملات متواتر قوای شوروی بالای اهداف غیر نظامی عده ای را وادار ساخت ، تن به سازش بدهند ودرپهلوی قوای متجاوز بایستند اما اینگونه حملات اکثراً عکس العمل مردم را تشدید کرد . همچنان تخریب منازل مسکونی ، باغات وشبکه های آبیاری وحریق خرمن ها زراعتی که جزء جنگ شورویهاشده بود ، یکعده از افراد فقیررا واداشت تا دربرابر معاش گزاف ماهوار پوسته های امنیتی بطرفداری از شورویها تاسیس کنند وعامل سومی درگیریهای تنظیمی بوده است ، که طرف ضعیف موقتاً درزیر پرچم دشمن رفته اند. البته میزان بهره گیری رژیم کابل از ملیشیا یکسان نبوده ، بلکه درمواردی بسیار زیاد ودربعضی حصص ناچیز میباشد . (۹)



**۵** شورویها بخاطر براه اندازی منظم [illegible] عسکری

افغانستان رابه هفت زون عملیاتی تقسیم نمودند ، که درهر زون بادرنظر داشت شرایط آن جنگ ، را عیار میکردند .

درمقابل ، مقاومت وپایداری مجاهدین دربرابر قوای شوروی برای ناظرین خارجی این فکر را داد که « افغانستان ،ویتنام شورویست » . لذا امریکا برای زخمی کردن رقیبش (شوروی ) تصمیم گرفت وبدین لحاظ سالانه ( . . ۳ تا . . ۵ ) ملیون دالر را برای جنگ افغانستان تخصیص داد گرچه تا این مرحله اکثر مبصرین غربی به پیروزی مردم افغانستان باورنداشتند وجنگ افغانستان .را میدان تمرین برای قوای شوروی شمردند (. ۱) مجاهدین طی این مدت تجارب جنگی کسب نموده سلاح های بیشتری از دشمن به غنیمت گرفتند ویااز طریق کمکهای خارجی بدست آوردند ودربعضی از مناطق مفتوحه ازجانب مجاهدین پروژه های خدمات اجتماعی ازقبیل تاسیس کلینیك های صحی ، تاسیس مکاتب ومدارس و نشراخبار روی دست گرفته شد که درجلب حمایت بیشتر مردم اثر خوبی برجا گذاشت . به اثر تشدید جنگ وطولانی شدن آن آهسته آهسته افراد آماتور از صحنه برون شده ویك صنف مشخص از جهاد گران درهرمنطقه تبارز یافت وجوانان مستعد اداره مناطق آزاد شده را تصاحب کردند .

بامرگ رهبر شوروی « برژنف » ، « اندره پوف» بقدرت رسید . وی که ریاست کی . جی .بی را قبلاً بعهده داشت بهتر از برژنف راجع به افغانستان ومبارزه افغان ها می نهمید

ازین رو تشدید جنگ را درافغانستان به صلاح ندید ،زیرا میدانست که ازین طریق چیزی عایدش نخواهد شد لذاطرح مسالمت جویانه را درپیش گرفت. وی هیئتی به پنجشیر جهت مذاکره باالحمد شاه مسعود فرستاد ، جبهه ایکه شش بارقوای شوروی را مفتضحانه شکست داده بود .

ملاقات هیئت ارسالی « اندره پوف » با « مسعود » قومندان مجاهدین بعد ازسه ونیم سال جنگ نخستین مذاکره مستقیم روس ومجاهدین بود ، که تحلیگران این مذاکرات را شناسائی نهضت مقاومت از طرف روسها دانستند . درنتیجه این ملاقات میان طرفین در پنجشیر وساحات ماحول آن برای یکسال « آتش بس » برقرار گردید هدف روس ها از « آتش بس » ایجاد اختلاف میان جبهه پنجشیر وسایرجبهات جهادی بود ، ولی مجاهدین آتش بس راغنیمت شمرده برای ایجاد وحدت میان جبهه پنجشیر وجبهات اطراف آن سعی بخرچ دادند که سرانجام اساس « شورای نظار » درآن سال گذاشته شد .

## ج : حمله بالای پایگاه های فعال مجاهدین :

درسال ۱۳۶۳ روسها استراتیژی جدید نظامی رادرجنگ افغانستان درپیش گرفتند که با تهاجم گسترده وبیسابقه بالای جبهه پنجشیر آغاز یافت . استراتیژی جدید نظامی دارای ابعاد سه گانه ذیل بود :

۱ حمله بالای پایگاه های فعال مجاهدین .

۲ تحت فشار قراردادن پاکستان وایران .

**۳ قطع راه های اکمالاتی مجاهدین .**

شش سال جنگ استعداد وتوانائی جبهات را تثبیت کرده بود وطور طبیعی جبهات مجاهدین بدودسته تقسیم شده بودند.

۱- پایگاه های فعال وپویا .

۲- پایگاه های غیرفعال وایستا .

درپایگاه های فعال قومندانان مجاهدین شایستگی لازم را دردرگیریها ، از خودنشان داده بودند و به نیاز هاو مشکلات اهالی آنجا رسید گی میشد وترتیباتی برای تعقیب نیروهای دشمن درخارج از آن پایگاه وجود داشت . ولی در بقیه پایگاه ها یا پلانی برای رفع احتیاجات مردم جنگ زده وجود نداشت ویاهمین که نیروهای شوروی از آنجا عقب می نشستند برنامه ای برای تعقب آنها موجود نبود .

اساس استراتیژی جدید شوروی راتمرکز تهاجمات سنگین بالای پایگاه های فعال مجاهدین تشکیل میداد ، زیرا شورویها بدین نظر بودند که درقدم اول باید جبهات فعال مجاهدین که درجنگ علیه قوای شوروی توان وتحرك بیشتر دارند فلج گرددودرگام بعدی به آسانی سایرجبهات یکی پی دیگری تسخیر خواهد شد .

صرف نظر کردن از حمله بالای پایگاه های غیر فعال مجاهدین چند دلیل داشت :

اولاً: از آن ناحیه خطری متوجه قوای شوروی نبود .

ثانیاً : کاری راکه باید قوای شوروی علیه مجاهدین میکرد

درآن ساحات مجاهدین برعلیه یکدگر انجام میدادند .

ثالثاً : بی نظمی مجاهدین واتکای مجاهدین ازدرك اقتصادی بمردم محل ، مردم را به ستوه میاورد که به نفع شورروی ها بود .

رابعاً : درصورت حمله قوای شورروی به انجاگروپهای مجاهدین موقتاً اختلافات خود را کنارگذاشته برضد عساکرشورروی متحدانه می رزمیدند . (۱۰).

رهبران شورروی تصمیم گرفتند تابرای تحت فشار قراردادن پاکستان وایران جنگ را به سرحدات آن دوکشور بکشند ، بدین لحاظ درجوزای ۱۳٦٤ به کنر ودرخزان همین سال به پکتیا حملات بزرگی را براه انداختند وتخلفات هوائی برحریم هوائی پاکستان از سوی قوای شورروی و رژیم کابل بطوربیسابقه شدت گرفت .مثلاً درنه ماه اول سال ( ۱۹۷۵ ) ، ۱۹۸ بار برحریم هوائی پاکستان تجاوز صورت گرفت . (۱۲) درپهلوي آن خاد پروگرام تخریب کاری خودرا در قلمرو پاکستان و سعت بخشید .

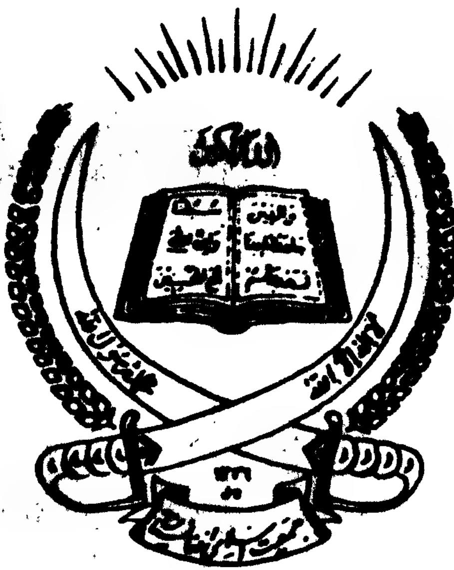
شاید بدلیل تجاوزات مکرر قوای شورروی ورژیم کابل بود که اولین محموله راکت های پیشرفته « استنگر » و « بلو پایپ » بدست مجاهدین رسید . وبیش از همه به گروپهای فعال در ساحات مرزی افغانستان وپاکستان ازجانب مراجع توزیع کننده داده شد . طبق آمار منتشره درماه های اول بکار گیری این راکت حداوسط تلفات هوائی قوای شورروی ورژیم کابل روزانه یك

فروند طیاره ذکر شده است (۱۳). ولی بزودی تمام طیارات شوروی ورژیم کابل مجهز به دستگاه پرتاب فشنگ منحرف کننده استینگرو دستگاه تولید موج مخصوص ضد استنگر مجهز گردید که از موثریت راکت مذکور کاست. (۱٤)

برای قطع راه های اکمالاتی مجاهدین علاوه برایجاد پوسته های امنیتی در مسیر کاروانهای مجاهدین قوای شوروی دست به انجام کمین های شبانه واستعمال قطعات « دیسانت » زدند که این شیوه هم بدلیل ارتباط عمیق مردم با مجاهدین ونابلدی عساکر شوروی با اراضی بسود شوروی ها از آب درنیآمد. همچنان روسهاتلاشهای زیادی درتحریک قبایل شنوار ، آفریدي ومهمند جهت قطع راه های مواصلاتی مجاهدین بخرچ دادند.

در تعقیب پالیسی تشدید جنگ افغانستان درین مرحله که به اوج خود رسید ، صاحبنظران روی صحنه آمدن « چرنینکو » را که با«برژنف» همنظربود ، بی ارتباط نمیدانند پالیسی ایکه گورباچف درابتدای بقدرت رسیدنش نیز بدان دل بسته بود که این امراز اخطاریه مستقیم آن به ضیأءالحق در مراسم تدفین چرنینکو » درماسکو هویدا گردید.

باوجود آنکه قوای شوروی درین مرحله از شدت عمل بیشتر وسلاح های مدرن وعساکر خاص « SPITSNAZ » که ورزیده ترین عساکر شورویست برعلیه مجاهدین استفاده کردند گامی درجهت پیروزی عساکر شوروی پیش نرفت ، بلکه مجاهدین باکسب تجارب بیشتر ودستیابی به سلاح های غنیمتی



* کتاب : پیروزی مشت برشمشیر
* نویسنده : عبدالحفیظ « منصور »
* کمپوزر : میرویس « لطیف »
* تیراژ : ۲۰۰۰ نسخه
* تاریخ چاپ : دلو ۱۳۶۹ ش
* ناشر : انجمن نویسندگان وسخنوران
جمعیت اسلامی افغانستان

بهتروررسیدن راکت های BM- 1 و BM-12 ازخارج به ایشان مواضع ارتش سرخ به حالت تدافع منفی تنزل کرد وروز تا روز حملات مجاهدین بالای آنها بیشتر میشد . طوریکه درهمین دوران مجاهدین چند گارنزیون و پوسته دفاعی روسها را در پنجشیر فتح نمودند . قوای شوروی بحدی ناتوان شده بود ، که نه تنها روحیه تعرضی خود را از دست داد ، بلکه برای جلو گیری از حملات فاتحانه مجاهدین مجبور به فرش « ماین » گردید ، که بگفته احمد شاه مسعود « جنگ استحکامات » رادر پیش گرفتند (۱۵) .که درحال حاضر تعداد دماین های فرش شده از سوی قوای مشترك شوروی ورژیم کابل را سی ملیون ماین تخمین زده اند .

تقسیم بندی قبلی افغانستان به هفت زون عملیاتی درین مرحله برهم خورد ، وبجای آن میان هرولایت افغانستان با یکی از جمهوریت های شوروی ارتباط قایم گردید که درین میان ولایات شمالی بیشتر از سایر ولایات افغانستان زیر کار گرفته شد که براساس آن زمزمه های درباب احتمال تجزیه افغانستان بدو افغانستان شمالی وجنوبی از سوی شوروی بالا گرفت .اما با اوجگیری فعالیت های شورای نظار وفتح چندین گارنیزیون رژیم کابل به سبك ویتنامی ها درشمال افغانستان رفته رفته سروصدای تجزیه افغانستان خاموش گردید .

قابل ذکرست اولین تجربه مجاهدین در اشغال گارنیزیونهای دشمن فتح گارنزیون پشغور ( ۱۳٦٤ ) در پنجشیر بو دکه به

تعقیب آن گارنیزیونهائی فرخار ، نهرین ، کران منجان ، کلفگان بورکه وشابه که هرکدام دارای ۱۲ تا ۱۷ تن افراد بودند یکی پی دیگری بدست مجاهدین سقوط کرد . ناکامی شوروی تنها در ساحه نظامی علیه مجاهدین منحصر نبود ، بلکه کار تصفیه اردوی رژیم کابل تاآن زمان ثمره دلخوائی برای شوروی نداشت ، طوریکه درسال ۱۳٦٤ دراثر خرابکاری افسران اردوی رژیم کابل ده طیاره جنگی درفرودگاه شیندند ازبین رفت ودو پیلوت افغان با هلیکوپتر های نوع MI - 24 به پاکستان پناهنده شدند .

باتوجه بدلایل فوق گورباچف بزودی فهمید که قضیه افغانستان برای شوروی « زخم ناسور » است ، ازین روبرای هموار کردن راه جهت عقب نشینی قوای شوروی درتلاش افتاد ومذاکرات غیر مستقیم ژنیومیان پاکستان ورژیم کابل را سرعت بخشید . که از آن دو منظور داشت وبالآخره به مقصد اولی نایل آمد :

اول : پنهان کردن جنایات عساکر شوروی وواقعیات جنگ افغانستان بوسیله فعالیت های دپلماتیکی .

دوم : تغیر مقاومت افغانستان از مبارزه مسلحانه بیک مبارزه صرفاً سیاسی

درکابل نجیب رئیس سازمان « خاد » (۱۳٦٥ )جای « کارمل » راگرفت و چندی بعد « آتش بس » و « مصالحه ملی !! » اعلان گردید که بدلیل سیاست ظالمانه شوروی وسوابق بد « نجیب »

موثر نیفتاد .

درمیان نهضت مقاومت بعد از چند سال درگیری با قولی شوروی چهره های عرض اندام کرد وموثریت کارشان به اثبات رسید . مثلا احمد شاه مسعود در پنجشیر ، اسماعیل خان درهرات ومولوی جلال الدین حقانی در پکتیا وداکتر فضل الله در لوگر ....

درین مرحله فرماندهان طراز اول مجاهدین درك کردند که هیچ پایگاهی به تنهائی قادر به درهم شکستن قوای شوروی نیست وبرای پاسخگوئی به قوای متجاوز ایجاب مینماید تا میان آن عده جبهات جهادی که از لحاظ جغرافیوی بهم پیوسته اند ،اتحاد و هماهنگی بوجود آید تاقوای شوروی دریك ساحه وسیع و با فشار قوی تر پاسخ داده شود بدین منظور احمد شاه مسعود که از قبل برای این کار می اندیشید ، گام پیش نهادودر شمال شرق افغانستان میان جبهات جمعیت اسلامی اولین هسته «شورای نظار » رابناء نهاد که بزودی سرمشق قرارگرفت درغرب افغانستان تحت ریاست « اسماعیل خان » شورای ساغر دایر شد ودر لوگر نیز دکتر «فضل اله » مرکزیتی بوجود آورد .

ایجاد چنین شوراهای منطقوی ، مشکلات متعددی راداشت که عمده ترین آنها عبارت بودند از :

## ۱- انگیزه منطقه پرستی :

از آغاز جهاد تا آن وقت هرکسی درقریه ومنطقه خود

مصروف جهاد بود ، وطوری وانمود شده بود که هرکس فقط میتواند در ساحه محدود ومشخص خود به جهاد علیه قوای شوروی ورژیم کابل بپردازد . بدین ترتیب اعزام یك گروپ جهادی ازجائی بجای دیگر معنی مداخله درامور آن منطقه راداشت که باعث تشنج میگردید .

لذاازبین بردن این انگیزه غلط تدبیر وفداکاری زیادی میخواست که خوشبختانه روسای جهاد ازخود نشان دادند .

## ۲- اختلاف :

چند پارچگی میان مجاهدین مشکل دیگری بود که به آسانی رفع آن میسرنبود اختلاف فقط میان احزاب هفتگانه جهادی نبود ، بلکه تفاوت نظرمیان قومندانان یك تنظیم وانگیزه های مالی (جمع آوری عشر ، زکات ... ) نیز عامل اختلاف بود که از هرگونه مساعی مشترك جلوگیری مینمود .

## ۳- ضعف اقتصادی :

ایجاب مینماید تا برای تنظیم امور یك ارگان ، مرکزیتی وجود داشته باشد . ومرکز باید دارای صلاحیت وقدرت باشد . بنابرین درشورا های منطقوی نیز مرکزیتی در کارست که آن مرکز ازیکدست امور تمام آن منطقه را بررسی وکنترول نماید . در صورتی مرکز توان انجام این کاررا می یابد که از لحاظ مالی وتسلیحاتي برسایر بخش ها تسلط حاصل کند اما متاسفانه توزیع پراگنده امکانات درمراکز رهبری وضعف اقتصادی مراکز شوراها روند کارهماهنگی را کندتر مینمود .

### ٤- فقر فرهنگی :

فقر فرهنگی نیز که میراث شوم رژیم های سابق افغانستان است ، درین قسمت اثر منفی داشته ، چون اشخاص بی فرهنگ وجاهل در سایه تفرقه ،تشتت وپراگندگی سود می برند واز منظم شدن امور که به استفاده های ناجایز وی لطمه میزند سخت بیم دارند بناءً فقر فرهنگی درافغانستان نیز مانعی درین زمینه بوده است .

### د : آماده گی برای فرار

با امضای معائده ننگین ژنیو بتاریخ ۲۵ حوت ۱۳۶۷ میان پاکستان ورژیم کابل ونظارت شوروی و امریکا ، قرار برین شد که قوای شوروی ظرف نه ماه سراز ۲۵ ثور ۱۳۶۷ از افغانستان خارج گردد.

جهانیان هیجان زده ، امضای معائده ژنیورا یك پیروزی بزرگ برای افغانها بعد ازیکدهه فداکاری وتلاش درپی کسب آزادی شان میدانستند وبه افغانها این پیروزی راتبریك می گفتند ، ولی از آنجائیکه قرار داد ژنیو برای فرار قوای شوروي « بینی خمیری » ساخته بود وامتیاز این پیروزی رانه به مردم افغانستان بلکه به سازمان ملل متحد داده بود ناراحت بودند .

شوروی بقدری از آینده رژیم کابل پریشان بود که چند هفته قبل ازتکمیل فرار قوای شوروی برای اولین بارحاضر بمذاکره باهئیت ائتلاف مجاهدین گردید ، که دور اول آن در طائف ودور های بعدی آن درتهران واسلام آباد صورت پذیرفت .

آنچه بیشتر درین مذاکرات زیر بحث قرار گرفت ، مسئله سرنوشت آینده کمونیستان افغانستان بود که از جانب مجاهدین کارخاص خود افغان ها خوانده شد .

طبق فیصله در سه ماه اول فرارقوای شوروی نیمی از قوای آن کشورخاك افغانستان راترك گفتند وبقیه تا ۲۵ دلو ۱۳۶۷ بکلی از افغانستان خارج شدند. امضای قرارداد ژینو روحیه قوای شوروی ورژیم کابل را بحد پائین تراز صفرتقرب داد . سربازان شوروی بسان ماران بی زهری درآمدند وبرای اینکه تا روز فرار از افغانستان ازحمله مجاهدین درامان مانده باشند در بسیاری موارد به فرماندهان مجاهدین درخواست های کتبی عدم حمله وتعرض فرستادند وياطوريكه خود شاهد بودم دربگرام سالنگ وجبل السراج به مجاهدین مقادیری اسلحه ومهمات باج میدادند تا مجاهدین بالای شان حمله نکنند . بحدی عساکر شوروی روحیه خود را باخته بودند ، که مجاهدین ومردم محل ایشان رادر یك صف ایستاده نموده از یشان عکسبرداری میکردند ویا خوب بیاد دارم ، وقتی درعقرب ۱۳۶۷ مجاهدین بالای پوسته « کلوخك ها» ( گلبهار) حمله نمودند ، پوسته های اطراف آن که مربوط شورویها بود ، اصلاً بطرفداری ملیشای رژیم فیری ننمود ودراخیر هم عساکر اسیرو مواد غنیمتی را مجاهدین توسط لاریهای رژیم کابل از کنار پوسته شورویها انتقال دادند . درجریان جنگ ، از بس عساکر رژیم کابل ازین عملکرد وقوای شوروی به خشم آمدند پوسته روسهارابه توپ

بستند و دوعسکر شوروی را بقتل رسانیدند . ویا مجاهدی را در بگرام دیدم ، که بوت های خودرا نشان داده وگفت ، درجلوی چشم افسران شوروی ، صاحب منصب پرچمی راکه در بالای تانك نشسته بود بقتل رسانیدم وبوتهایش را گرفتم .(۱۶)

روحیه افراد رژیم کابل بدتر از آن بود ، ایشان دست ، دسته به مجاهدین تسلیم شده ویا برای جان خلاصی با مجاهدین تماس اخذ میکردند وامان میخواستند .

وبرعکس مورال مجاهدین طغیان کرد و خوشبینی بیش از حد همه جارا فراگرفت . رهبران مجاهدین پیروزی نهائی رادر روز ها وهفته های محدود نشان میدادند ،دراین میان فقط «مسعود » گفت ، با خروج قوای شوروی درروند فعالیت مجاهدین « خلائی » بوجود آمده چون مجاهدین قبلاً درحالت دفاعی قرار داشتند ، حالا ایجاب میکند بحالت تعرض بروند تا رژیم را از پادرآورند ، بناءً تارسیدن به مرحله تعرض « خلائی » درامور مجاهدین بوجود امده ومدتی برای پرساختن آن نیاز ست . (۱۷)

مسعودبرای پرکاری همین خلاء درجوزای ۱۳۶۸ جهت عیارساختن نیروهای « شورای نظار» جلسه بزرگی به اشتراك فرماندهان ومسئولین جهادی ده ولایت شمال وشمال شرق واطراف کابل ترتیب داد که درآن تشکیل اردوی اسلامی وتقسیم مناطق شورای نظار بچار زون تصویب شد. همچنان مصوباتی راجع به تند تر ساختن پروگرام های تعلیمی وفرهنگی

به امضاء رسید .ودرپشاور ، رهبران مجاهدین که انتظار فروپاشی رژیم کابل رامی کشیدند ، برای آنکه حکومتی آماده برای جایگزین ساختن بجای رژیم کابل داشته باشند . درراولپندی حکومت موقتی به ریاست « صبغت الله مجددی » تاسیس یافت .

پالیسی جنگی که درین مدت برای نیروهای رزمی رژیم کابل تعیین گردید ،عبارت بوداز :

۱ قوتهای رژیم بعضی پوسته وگارنیزیون های مرزی عقب نشینی نموده و در مراکز عمده وحیاتی متمرکز شدند . بدین لحاظ ساحات وسیعی درسراسر کشور خود بخود آزاد گردید .

۲ قوای شوروی مقادیر زیادی اسلحه ومهمات که ارزش آن سربه ملیارد ها روبل میزند ، از خود به رژیم کابل تحویل دادند تا بوسیله آن دربرابر حملات مجاهدین دفاع نماید .

۳ طیارات جدیدی همچون Mig - 27 , Flogger - D و راکت های اسکود « SSI » را روسها دراختیار رژیم کابل قرار دادند تا بتواند درصورتیکه مجاهدین مراکز عمده نظامی را بدست آوردند توسط آن پاسخگوی مجاهدین باشد . پهلوی دیگری به صحنه آوردن راکت اسکود ، جنبه تبلیغاتی آن بود ، که درجنگ ایران وعراق موثر یتش به نفع عراق ثابت شده بود ، لذا اثرات روحی آن دربالا بردن مورال افراد رژیم کابل نقش داشت .

٤ رژیم کابل که در گذشته جلوی عساکر شوروی به حمله بالای پایگاه های مجاهدین می پرداختند سیاست مدافعه از مراکز

عمده نظامی وصنعتی را در پیش گرفتند وطور طبیعی مجاهدین کاملاً درحالت تعرضی قرار داده شد .

طوریکه مدافعه قواعد ، اساسات خاص دارد وامکانات ویژه ای را میخواهد در تعرض نیز باید اصول ودسپلین تعرض درنظر گرفته شود ، متعرض باید کتله نیرومند بوده تاکتیکهای لازمه را فراگرفته وبه اسلحه مناسب مجهز باشد . درحالیکه مجاهدین بلاوقفه بدون آموزش های جدید وسازماندهی تازه وسلاح مورد نیاز برای حمله بسوی مراکز دشمن سوق داده شدند ، که متاسفانه بی نتیجه ماند وبه سود قوای رژیم کابل تمام شد .

بهر صورت به اثر ترس ووحشی که سراپای رژیم را فراگرفته بود وحملات مجاهدین درهمین مرحله چند ولایت از جمله کنر کاپیسا ،کندز، بامیان وپکتیکا آزاد گردید . اما کندز بعد از مدتی بدلیل اشتباهات مجاهدین ومداخله قوای هوائی شوروی دوباره بتصرف رژیم کابل افتاد .

## ذیل مرحله دوم :

لازم دیدیم تا برای روشن شدن حجم وکیفیت حملات قوای شوروی نگاهی گذرا به جبهه پنجشیر افگنیم . جبهه ایکه درحق او معین الدین « سنگری » گوید :

**رحمت خدا نازل درفضای پنجشیرست**
**آنکه شیر می گیرد اولیای پنجشیر است**
**کله جانخواران زیرپای پنجشیرست**

## ثبت دفتر ورشو جنگهای پنجشیرست

جبهه ایکه درتمام دوران جهاد صحنه زور آزمائی های قوای روس ومجاهدین بوده و بزرگترین حملات وشکست های قوای شوروی درآنجا بوقوع پیوسته وبجرات میتوان گفت که نیمی ازقوای شوروی درافغانستان درآنجا بکار رفته طوریکه یك افسرشوروی بامباهات آنرا « استالین گراد افغانستان » (۱۸) میخواند درحالیکه برای آن فقط نام « پنجشیر » زیبنده است .

آنجا که محل آزمایش جدید ترین تاکتیکها وسلاح های رزمی قوای شوروی بود ودرمدت حضور قوای متجاوز شوروی درافغانستان ، هشت حمله سهمگین آن بد آنجا بی نتیجه ماند درین میان هفتمین تهاجم قوای شوروی بردره پنجشیر که بعد از جنگ دوم جهانی به عقیده صاحبنظران بزرگترین لشکر کشی قوای شوروی بحساب میرود ، هم از جهت تاکتیکهای که درآن بکاررفت وهم از حیث سلاح های که کار گرفته شد جالب ودرخورتوضیح است :

۱- عساکر شوروی درین تهاجم علاوه برپنجشیر مناطق ماحول آنرا همچون نجراب ، بولغین ، گلبهار ، سالنگ ،انداراب خوست فرنگ ، نهرین ،انجمن ، .. را مورد حمله قرار دادند .

هدف ازین پلان مصروف ساختن مجاهدین آن مناطق بود تا به مجاهدین پنجشیر فرصت وتوان کمك رانداشته باشند . از سوی دیگر پنجشیر را از بیرون در حلقه محاصره بکشند . ونیروهای مجاهدین را سرانجام اسیر ویا نابود نمایند.




بسم الله الرحمن الرحیم

# مقدمه

جهاد مقدس مردم مسلمان افغانستان که سیزده سال از آغاز آن میگذرد ، از بسیاری جهات حیرت انگیز وقابل تعمق است ،اما دربعُد نظامی این امر بحد کمال رسیده است شکست ارتش سرخ دربرابر عزم وایمان مجاهدین افغان از عجائب قرن است که جهانیان آنرا بدیده تعجب می نگرند . ولی بقای رژیم کمونیست کابل بعد از فرار ارتش سرخ سلسله سوالاتی را دراذهان عامه زنده کرده است ، که گویا روسها در افغانستان شکست نخورده اند ، بلکه پالیسی صلح جویانه گورباچف زعیم شورویست که عساکر شوروی را ازافغانستان وادار به خروج کرد فروپاشی رژیم مزدور کابل بعد از فرار ارتش شوروی بقدری مسلم انگاشته میشد که درابتدای جهاد شکست مجاهدین دربرابر قوای متجاوز شوروی ، درحالیکه آنچه ناشکست انگاشته شد

۲- برای نخستین بارطیارات دور منزل شوروی نوع TU- 16 که معادل B-52 امریکائی است ،از شوروی برخاسته در دسته های می فروند ی پنجشیر را از ارتفاع بلند بمباردمان نمودند . این طیارات جدا از طیارات شوروی ورژیم کابل بود که از میدان های« بگرام »و « خواجه رواش » همین عمل را انجام میدادند

۳- در پنجشیر گاز کشنده موسم به « باران زرد » بکار گرفته شد . که بفضل خداوند تبارك وتعالی بدلیل نبودن مجاهدین درمنطقه اثری بالای مجاهدین نداشت ، ولی اثرات آن از مرگ ومیر حشرات وحیوانات آشکار گردید .

٤- عقب نشینی بیش از صد هزار سکنه پنجشیر طی چند روز وعقب نشینی سریع کلیه مجاهدین از پنجشیر به اطراف دره اقدام ایست که درطول تاریخ جنگ نظیر آن یافت نمی شود . این عقب نشینی تلفات مردم ومجاهدین را که بخاطر بمباردمان قوای شوروی متصور بود منتفی ساخت ، وسنگی را که شوروی بلند کرده بود ، میخواست برفرق مجاهدین بکوبد با این جا خالی کردن بیهوده برزمین خورد.

عده ای مثال آنرا درچین که درآن چریکهای کمونست آن کشوربرهبری «مائو» که بعداز تضعیف نیروی شان در برابر قوای دولت مرکزی دست به رهپیمائی عمومی وتغیر پایگاه زدند ، جستجو می کنند . که در واقع دوچیز ازهم متفاوت اند:

اولاً :راهپیمائی چینی ها برای تغیر پایگاه بمدت مدیدی بود ،درحالیکه عقب نشینی مجاهدین پنجشیر یك حرکت تکتیکی

## مرحله سوم: از فرار تا امروز

عقب نشینی قوای متجاوز از خاك افغانستان بتاریخ ۲۵ دلو ۱۳٦٧ تکمیل گردید. ودر جریان فرار درحالیکه برف سنگین درسالنگ برزمین بود وسرمابه اوج خود رسیده بود ، منازل مسکونی منطقه از جانب قوای شوروی یکسره نابود شد

کوتاه مدت بود که بمجرد رسیدن عساکر پیاده نظام شوروی به پنجشیر دوباره از چار سمت به قرارگاه های شان برگشتند وبه نبرد آغاز کردند .

ثانیاً: راهپیمائی چینی ها فقط شامل چریکها میشد درصورتیکه این عقب نشینی تاکتیکی شامل تمام مردم پنجشیر بود .

۵- بکار گیری ۲۰ هزار (۱۹) نیروی ویژه SPITSNAZ واستفاده ازخیل هلیکوپتران برای انتقال سریع کماندوهای شوروی در پنجشیر که بسان قلعه ای توسط کوه ی های مرتفع ۵ هزار متری محصورست تحلیلگران نظامی غرب را به شگفتی واداشت . درحالیکه تعداد مجاهدین مسلح آن دره بالاتر از هزارتن نبود .

سوق ده ها فروند هلیکوپتر نفر برتحت پوشش طیارات بم افگن و هلیکوپتر ان زرهدار معروف به « تانکهای پرنده » در این تهاجم صحنه های بی مثالی از تحرکات فوق العاده ورشادت های بی نظیر را به خود اختصاص داده است .

وحدود ۰۰ ٦ تن از اهالی ملکي منطقه درآن سرمای جانسوززیز آوار مدفون شدند وبدین ترتیب آخرین دسته از سربازان قوای شوروی باسرنیزه های خونین خاك افغانستان را ترك گفتند .

فرار قوای شوروی یکی از حوادث نادرتاریخیست که بعد از صدها سال یکبار بوقوع مي پیوندد وبقول مرحوم ضیأ الحق این عقب نشینی « معجزه قرن بیست » بود که بمنصه ظهور رسید درحلقات مجاهدین وحامیان بین المللی شان خوشبینی بیش از حد مبنی بر بقدرت رسیدن مجاهدین درکوتاه مدت حکمفرما گردید ، طوریکه امریکا عمر رژیم کابل را بعد از فرار قوای شوروي کمتر از شش ماه تخمین زد . وحتی روسها دراوایل امیدی در بقائی رژیم کمونیستی کابل نداشتند .

با این اقدام که نتیجه یکدهه جان فشانی وقربانی ملت مسلمان افغانستان بود امید میرفت ، تا بزودی در افغانستان صلح حکمفرما گردد ، اما تا هنوز که دو سال از آن میگذرد جنگ خاتمه نیافته ومصیبت خانمانسوز مردم افغانستان پایان نه پذیرفته .

رژیم کمونیستی کابل راهی جز مقاومت سرسختانه دربرابر حملات مجاهدین نمی دید ، گرچه پیوستن به صفوف مجاهدین جهش یافت ، اما بدلیل جنایات ده سالي که در برابر مردم انجام داده بودند راه پیوستن به مجاهدین خشمگین را که انواع مصائب را از جانب کمونیست متحمل شده اند وعقده های فراوان از ایشان دارند ، مسدود دیدند .

رژیم کابل برای مدافعه از خود اردوی . ٤ هزار نفری مجرب نیروی . ٧ هزار نفری خاد و ده ها هزار ملیشه که اکثریت شان قبلاً درصف مجاهدین بودند وبه تاکتیکهای رزمی مجاهدین بلدیت دارند در اختیار داشت . وازین نیرو فقط درجهت حفظ مرکز کابل ، شهرهای عمده و خط اکمالاتی کابل شوروی کار میگرفت .

نهضت مقاومت برای اینکه نعم البدل رژیم کابل را داشته باشد در خارج حکومت موقت را تاسیس نمود ، حکومتی که احزاب اهل تشیع درآن سهم نداشتند ، وقومندانان بدلیل نداشتن سهم لازم درآن ، از آن دل خوش نبودند . ودرداخل افغانستان درنقاط مختلف حملات مجاهدین به شیوه سابق تشدید یافت ، که متاسفانه خلاف توقع مراکز زیادی بدست مجاهدین فتح نشد تنها عمده ترین پیروزی مجاهدین درین زمنیه فتح « تالقان » مرکز ولایت تخار بود که تاکنون در دست مجاهدین است . اما پیروزی مهم رژیم کابل که بطور کلی اوضاع جنگ افغانستان را برهم زد عملیات جلال آباد بود .

زیرا با عدم موفقیت مجاهدین ، جهانیان به توانائی مجاهدین مطنون شدند ، نیروهای رژیم کابل که کاملاً درترس بسرمي بردند ، روحیه گرفتند واز فرار افراد رژیم کابل کاسته شد . اعتماد شوروی به قدرت رژیم کابل قوت گرفت . وکمکهایش به رژیم کابل بیشتر شد .

ناگفته نماند ، درآغاز این عملیات مجاهدین گارنزیون عمده

«ثمرخیل » را که دارای ..٦ تن افراد وتعدادی تانك بود متصرف شدند اما آنچه موجب ناکامی مجاهدین درتسخیر شهر جلال آباد گردید عبارتند از :

١- عدم وحدت میان تنظیم های جهادی .

٢- محدود بودن ساحه عملیات فقط به شهر جلال آباد درحالیکه لازم آن بود ، تا مراکز نظامی رژیم عمدتاً مراکز نیروی هوائی آن در سراسر افغانستان از سوی مجاهدین تحت فشار قرار گیرد وراه های ارتباطی هوائی وزمینی جلال آباد قطع شود وجلال آباد زیر ضربات مجاهدین خرد گردد .

٣- عدم سازماندهی لازم قطعات مجاهدین برای اجرای تعرض

٤- قلت اسلحه تعرضی - زیرا مجاهدین فقط با اسلحه ایکه قبلاً میرزمیدند ، دست به این تعرض زدند که نتیجه مطلوب نداد باوجود آن به نظر رهبر جمعیت اسلامی ، « عملیات جلال آباد جنبه سیاسی داشت ، نه جنبه نظامی » (٢.) ، یعنی اینکه درزماني این حمله سروسامان داده شد که کنفرانس وزارای خارجه کشور های اسلامی اجلاس سالیانه داشت ، ومجاهدین غرض شان از براه اندازی این عملیات جلب توجه کنفرانس بود ، که درنتیجه کرسی افغانستان در آن سازمان به مجاهدین داده شد چار کشور اسلامی از جمله عربستان سعودی ، سودان ، بحرین ومالیزیا حکومت مؤقت مجاهدین را برسمیت شناختند. که نتیجه مطلوب جنگ جلال آباد بود .

ولی عدم یك سیاست تبلیغاتی مناسب ، سرنوشت حکومت

نوپای مجاهدین را به سرنوشت این جنگ گره زد ، که درنتیجه اعتبار مجاهدین وبالا خص حکومت لطمه دید .

آنچه نباید ازیاد برده شود ، اثرات منفی حکومت موقت بالای جنگ افغانستان بود ، که حسب آتی است :

۱- درحکومت موقت که از اتحاد هفت تنظیم جهادی بمیان امده ، به تمام احزاب مشمول سهم مساوی داده شد ه ، درحالیکه توانمندی آنها از هم فرق فاحش دارد . لذا تنظیم های نیرومند و قوی که بیشترین جبهات را در داخل افغانستان دارند ، کدام چیز دلگرم کننده برای انجام حملات نیافتند ، برخلاف « مقام های درجه یك ودرجه دوم حکومت در دست ضعیف ترین تنظیم ها قرارداشت که کاری در داخل از دست شان ساخته نبود .

۲- قومندانان جهاد که بیشترین رنج وتکلیف انقلاب را بدوش کشیده اند درین حکومت سهم لازم رانیافتند ، بناءً حکومت موقت نتوانست قومندانان را برای جنگ سرشور آرد وازین طریق رژیم کابل را تحت فشار قرار دهد . درتابستان ۱۳٦۸ باوقوع فاجعه فرخار که طی آن عده ای از قومندانان جمیعت اسلامی توسط افراد حزب اسلامی بشهادت رسیدند تشنج میان جمعیت اسلامی وحزب اسلامی دامن زده شد وطبق پیشنهاد جمعیت ،حزب اسلامی ازحکومت موقت خارج شد وبدین ترتیب با کناره گیری حزب اسلامی ( حکمتیار ) وحدت هفت تنظیم جهادي که درحکومت موقت گرد آمده بودند برهم خود و حکومت موقت حمایت یك تنظیم بزر گ جهادی را از دست

داد .

فاجعه فرخار درخارج ضربه دیگری برحیثیت مجاهدین وارد آورد ، واز اختلاف تا سرحد کشت وخون شان داد سخن داد . وبرایِ دشمن بهانه تبلیغاتی بدست آمد برعلیه مجاهدین تبلیغ نماید .درغرب که جنگ افغانستان ، بعد از فرارقوای شوروی یك جنگ داخلی میداندبا وقوع این فاجعه دستاویزی برای قطع مساعدت ها به مجاهدین بدست آمد . ودر داخل افغانستان بخصوص در شمال نیروهای دو تنظیم عمده اسلامی ( جمعیت و حزب ) مدتها در برابر هم صف آرائی کردند وقوائی که باید در برابر رژیم کابل صرف میشد ، برضدیکدیگر صرف کردند ودشمن مشترك شان مجال پیدا کرد. و بعد تر با ترور « نسیم آخند زاده » درپشاور حزب اسلامي وحرکت انقلاب اسلامی در ولایت هلمند زدوخورد های خونینی برپاداشتند . در صفوف رژیم کابل بیشتر از صف مجاهدین اختلاف وتشنج وجود داشت . جناح خلق که با تجاوز شوروی در درجه دوم قرار گرفت باردیگر برای کسب برتري نسبت به جناح پرچم تحرکاتی از خود نشان داد . متاسفانه این بار یکی از احزاب اسلامی را از بیرون در پهلو داشت که سرانجام دراخیر سال ١٣٦٨ کودتای نافرجام شهنواز تنی ، بوقوع پیوست .

کودتای مذکور که در واقع زاده اختلافات وقدرت طلبی های داخلي کمونیستان بود اثرات ناگواری بالای جهاد افغانستان برجا گذاشت . براي نهضت های اسلامی درخارج سوالاتی نسبت

به جهاد افغانستان خلق کرد . رژیم کابل وشوروی بشدت از ین واقعه بهره تبلیغاتی بردند مبارزه مجاهدین را تلاش برای کسب قدرت قلمداد نمودند . میان احزاب مجاهدین اختلاقات یکبار دیگر تشدید یافت . به جهانیان حد اقل این اقدام وانمود ساخت که مجاهدین توان درگیری مستقیم با رژیم کابل را ندارند از ین رو بایك جناح کمونیست ائتلاف کرده اند وهمچنان برای سایر گروه های جهادی فکر تازه ای بخشید وراه جدیدی باز نمود تا هر کدام بیکی از گروپهای کمونیست برای تصاحب قدرت سیاسی افغانستان مخفیانه دست دهند . طوریکه بعضی از سران احزاب جهادی تماس های با « نجیب » برقرارنمودند . اما از سوی دیگر تعدادی از سران دوطرف درین حادثه از بین رفتند واختلاف میان خلق وپرچم طغیان نمود وبقول حزب اسلامي ابتکاری برای شکستن بن بست موجود بود ( ۲۱ )

حامیان بین المللي مجاهدین که انتظار فرو پاشی رژیم کابل را بعد از فرار قوای شوروي از افغانستان داشتند ، با عقیم ماندن این مامول وعدم پیروزی مجاهدین درجنگ جلال آباد وکودتای تنی دلسردی شان نسبت به مجاهدین فزونی گرفت . فرانسه مجدداً سفارت خودرا در کابل باز نمود ونجیب به آن کشور سفر کرد ، اخیراً در کمکهای امریکا به نهضت مقاومت افغان . ۵ ملیون دالرتقلیل بعمل آمد درمیدان جنگ رژیم کابل بشدت از مواضع خود در قندهار ، خوست ، بادغیس ، زابل شهربزرگ ( بدخشان ) وشهرکابل دفاع نمود ودرین رابطه از

به لطف ومدد خدای بی همتا وبه همت وایثار مردم مسلمان افغانستان درهم شکسته شد ، ولی رژیمی که رهبران مجاهدین آنرا « سایه» قوای سرخ می نامیدند (۱) تاهنوز درکابل برمسند قدرت باقی مانده واز تریبون رادیو کابل موجودیت خود را به جهانیان اعلام میدارد .

گرچه درباب نبردهای خونین مجاهدین و قوای شوروی ورژیم کمونیست کابل گفته ونوشته های بسیاری یابدست روزنامه نگاران خارجی ویا بقول رهبران مجاهدین صورت یافته با وجود آن مسلماً جای بحث وتحقیق درآن موارد تاهنوز بسیار خالیست وجادارد نویسندگان مجاهد افغان که خود سالیان جهاد را درسنگر گاه ها ویا دردیار هجرت سپری کرده اند ، برداشت ها ویادداشت های شان را که یقیناً صواب ترین نظر خواهد بود ، ترتیب نمایند . ظرافت های جهاد افغانستان چیزی نیست که ، یك خبرنگار خارجی بایك سفر چند هفته ای به داخل افغانستان آنرا دریابد ورمز پیروزی ملت ایثار گر افغان را معلوم دارد ، لذا از روی عجز و ناچاری برای اینکه بزودی ذهن خود را از ین سوال که چرا قوای شوروی از افغانستان خارج شد ؟ خالی نماید ، عجولانه گورباچوف را مبتکر این واقعه عظیم عصر قلمداد میکند . و درصفوف مجاهدین نیز تا کنون تحلیل ها وتبصره های که بتواند مردم دور از صحنه وخزیده درکنج های عافیت را قانع سازد دیده نشده ، ایشان بدون اینکه قضایای جنگی افغانستان را طورعلمی ودر قالبی پذیرفتنی برای همه طرح نمایند ، مسایل را از دید

راکت های اسکاد بشدت استفاده کرد. تحول جالب دیگر درین زمینه تبدیل طیارات انتونوف نفربر به طیارات بمبارد بود که درشوروی ترتیبات بمباردمان درآنها نصب گردید. مزیت این طیارات این است که قادرند تعداد بیشتری بمب را با خود حل نمایند واز ارتفاعات بلند تر عمل بمباردمان را انجام دهند.

درپهلوی مدافعه در برابر حملات مجاهدین رژیم کابل توجه بیشتر به فعالیت های « خاد » درصفوف مجاهدین معطوف داشت وکوشید تا اختلافات ذات البینی میان دسته هاي مجاهدين را تزايد بخشد وتعداد ی از افراد مسلح راهم دربرابرپول وامتیازات دیگر متحد خود سازد.

عکس العمل جالب مجاهدین دربرابر این پالیسی واقعه «پشتون زرغون» ولایت هرات بود ، که مجاهدین توانستند غافلگیرانه بالای هئیت اعزامی رژیم کابل که جهت بازدید از مجاهدین تازه تسلیم شده به رژیم کابل به آت آنجا آمده بودند حمله نمایند.

که درنتیجه جنرال « جلال » معاون وزارت امنیت دولتی در همین حادثه بهلاکت رسید. این واقعه تاحدودی از تلاشهای رژیم کابل کاست ورژیم آن حرارت قبلی را در پذیرائی کسانیکه به صف وی مي پیوستند از دست داد.

همچنان طی یکسال گذشته رژیم کابل سعی تمام کرد ، تا با داخل ساختن چهره های بنام «غیر حزبی» درکابینه دولت وتغیر قانون اساسی وتغیر نام « حزب دموکراتیك خلق » به

«حزب وطن» کوشید ، تا بخود مشروعیت بخشد . ولی از سوی مجاهدین برای تحکیم پایه های حکومت موقت کدام اقدام عمده ای صورت نپذیرفت وفقط دراین اواخر پروفیسور مجددی سفرهای برای دیدار ومذاکره با فرماندهان مجاهدین بالترتیب به شمال وغرب افغانستان ( تالقان وهرات ) انجام داد که تاحدودی مثمر بود .

از لحاظ نظامي عمد ترین پیروزی مجاهدین درماه هاي اخیر فتح ولایت ارزگان میباشد که با آزادی آن اکنون بطور کامل شش ولایت دردست مجاهدین قرار گرفت .

ولی برای پایان دادن به وضع موجود درمیان مجاهدین عمدتاً دونظر وجود داشت که خوشبختانه ظاهراً اکنون متفقاً روی نظر دوم آن توافق جمعی صورت گرفته است :

۱- حمله بالای مرکز کابل ، که ازجانب حزب اسلامی (حکمتیار ) طرح ریزی شده بود .

۲- حمله هماهنگ بالای نقاط ضعیف رژیم که از سوی جمعیت اسلامی با اولین سفراحمد شاه مسعود به پاکستان طرح و ازجانب سایر تنظیم هاي اسامی تائید گردید . درین طرح از حیث نظامي ادامه حملات چریکی بسان گذشته سبوتاژ درداخل دستگاه رژیم و قطع راه های اکمالاتی دشمن درنظر گرفته شده و اما خط اساسی آنرا « اجرای حملات هماهنگ بالای نقاط ضعیف دشمن در سراسر افغانستان » تشکیل میدهد .

این استراتیژی دستاور د اجلاس چار روزه معروفترین

فرماندهان جهادی در « شاه سلیم » میباشد که یکبار دیگر به حلقات علاقمند به قضیه افغانستان امید بخشید، علاوه برآن گردهمائی متذکره نشان داد که دیگر اختلاف احزاب سیاسی در پشاور نمیتواند قومندانان داخل افغانستان را ازهم دور نگهدارد .

## نتیجه

جنگ کنونی افغانستان دراثر سیاست های توسعه طلبانه روس وضعف زعمای افغان که جلو فعالیت ایادی روس را در افغانستان گرفته نتوانستند برمردم آن کشور وارد آمده است.
این مصیبت با وقوع کودنای ۷ ثور وبقدرت رسیدن کمونیستان تبارز یافت و سراسر افغانستان را فرا گرفت.

باقرار گرفتن رژیم کمونیستی کابل درمعرض نابودی شوروی با تحلیل نادرستی که از مردم مسلمان افغانستان داشت به افغانستان تجاوز نمود و بیشتراز نُه سال درجنگ افغانستان گیرماند وسرانجام مجبور به عقب نشینی شد.

جهاد برحق مردم افغانستان براساس ادای مسئولیت دینی در برابر رژیم کابل وارتش سرخ آغاز یافت و تاکنون درهمین سیرادامه دارد. درین جریان مجاهدین مساعدتهائی از کشورهاي همسایه وسایر دول دریافت داشتند، ولي انگیزه وفکر جهاد ومقاومت بصورت اولي دست نخورده باقي ماند.

فرماندهان جهاد از میان انبوه مشکلات وصحنه های خون

وشهادت درمیادین نبرد تجربه نظامی آموختند ، وبه دلخواه خود اسلحه غنیمتی از دشمن را بکار گرفتند .

شوروی بعد ازینکه از تمام نیرو در سرکوب مردم افغانستان کار گرفت واز غلبه برمجاهدین مایوس گردید از روي عجز مجبور به عقب نشینی شد ، وبزرگترین حادثه قرن که دنیائی را از شرکمونیزم نجات داد ، بوقوع پیوست .

بعداز فرار ارتش سرخ رژیم مزدور کابل در برابر مجاهدین پیروز و سربلند تنها مانده رژیمی که تا هنوز زنده است همانطوریکه بعد از عقب نشینی قوای امریکا از ویتنام تا دوسال حکومت دست نشانده امریکا در « سایگون» در برابر ویتنامی ها مقاومت نمود .

برای اینکه وضعیت فعلی دوطرف مجاهدین ورژیم کابل رابخوبی دریابیم واز خلال آن دور نمای آینده را حدس بزنیم نیاز به توضیح مواد چهارگانه ذیل است :

١-اراضی
٢- امکانات جنگی
٣- تشکیلات
٤- انگیزه ومورال .

دهات ، شهرها ی کوچك ، کوهستانات وشش شهر بزرگ افغانستان که شامل ٩٠ ٪ خاك افغانستان میشود ، در دسترس مجاهدین قرار دارد که درآن گروه های مختلف جهادی نفوذ دارند ، وبقیه که شامل مراکز ولایات وعمدتاً شهر کابل

میشود ، زیر تصرف رژیم کابل است .

اکثراً کوهستانات ، دره ها ودهات بدست مجاهدین فتح‌شده درحالیه مواضع قوای رژیم کابل دراطراف شهرهای عمده وجاده کابل – حیرتان میباشد .

وجود اختلاف سیاسی میان مجاهدین ، اراضی وسیع مفتوحه را متفرق کرده است وهریکي ازاحزاب فقط درمنطقه تحت کنترول خود اجازه ومجال فعالیت را دارند .

تسلیحات جنگی مجاهدین ازهمان نوع سابق است که براي جنگهای چریکی ( بزن وبگریز ) مساعد بود واکنون از آن کار مطلوب برنمیآید . راکت های استنگر همزمان با آغاز عقب نشینی قوای شوروی از افغانستان از جانب امریکا قطع گردید واخیراً درکمکهای آن کشور به افغانستان کاهش بعمل آمد .

وبرخلاف شوروی علیرغم مشکلات اقتصادی فراوان ماهانه بین ۳ تا ٤ ملیون دالر به رژیم کابل کمك مینماید واورا بوسیله این کمکها زنده نگهداشته است . نقیصه دیگری که درین ارتباط متوجه مجاهدین شده است . مداخله مستقیم مراجع توزیع کننده کمکهای خارجی به مجاهدین است که طبق دلخواه به هر قومندان داخل معامله میشوند . که بدین ترتیب بسیاري از جبهات عمده جهادی نظر بدلایل ناچیزی درمدت دوسال گذشته کمکی ازسوی پاکستان دریافت نداشتند . (۲۲)

تهیه امکانات براي افراد مسلح وشهریان تحت سیطره قواي رژیم کابل کاملاً بدوش شورویست ، درحالیکه بقیه ساحات

افغانستان که زیر تسلط مجاهدین قرار دارد ، از ین درك تا حدودي خود کفا اند .

رژیم کابل دارای یك حکومت است ، که عضو سازمان ملل متحد بوده وباتعداد زیادی از دول جهان رابطه دارد واز حیث نظامی از پشتبیانی قوای مسلح ، خاد و عمدتاً ملیشای قومي که تعداد شان به . ۱۵ هزار تن تخمین زده میشود برخوردار بوده و بصراحت میتوان گفت که فعالیت های ملیشا درتخار به سرکرده گی «صمد» در قندهار به قومنده «عصمت مسلم» در جوزجان به فرماندهی «رشید دوستم» مشهور به «گلم جم» در هرات بدستور «سید احمد گرگ» ودر پلخمری برهبری «سید منصور کیان» فعالیت های اردوی رژیم کابل را تحت الشاع خویش قرارداده است . اما حکومت موقت مجاهدین روز بروز به مشکلات تازه روبرو میشود ،عدم سهمگیری تمام احزاب اسلامی افغانستان درآن وعدم اجرای انتخابات مشکلات عمده آنرا تشکیل میدهد ناگفته نماند ، بعد ا تعداد مجاهدین مسلح در افغانستان سربه صدها هزار میزند ، اما عدم سازماندهی مناسب مطابق شرایط حاضر جلو موفقیت های جنگي شان راسد کرده است .

تنها درشمال شرق افغانستان «شورای نظار» وانمود میکند اردوی ده هزار نفری تعلیم یافته بوجود آورده ، در بقیه نقاط سازماندهی مجاهدین از همان شکل گذشته ارتقا نیافته است گرچه وجود اختلاف میان تنظیم هاي جهادی موثر ترین عامل

بقای رژیم کابل شمرده میشود ولی اختلاف شان به این سرحد که یکی به حمایت رژیم کابل در برابر دیگران برخاسته باشد نبوده است ، درصورتیکه عمق اختلاف خلق وپرچم باکودتای تنی به نمایش گذاشته شد .

انگیزه جنگی افراد رژیم کابل را عموماً بدودست میتوان تقسیم کرد ، یا جانیانی اند که بدلیل جنایات فراوان شان دربرابر مردم راه دیگری را براي خود سراغ ندارند ویا افرادی اند که در برابر امتیازات هنگفت مالی وشهوت رانی برعلیه مجاهدین مي جنگند، درمقابل انگیزه اکثریت مجاهدین را ادارات ناقص ونادرست پشاور صد مه زده است زیرا ایشان اهدافي را که از ابتداء جهاد بخاطر آن آغاز یده بودند ، در ادارت متذکره متحقق نمی یابند اما مخالفت رژیم کابل در برابر اسلام جنایات آن در دهه گذشته ضعیف‌ترین نقطه آن است که به این زودیهای قادر نیست ، مردم مسلمان را قانع سازد و در کنار خود قرار دهد .

وآنچه بطور روز افزون نظرجهانیان را راجع به مجاهدین تخریب نموده است ، حملات راکتی بالای شهرکابل است که اکثراً خود رژیم مسبب آن میباشد واز سوی دیگر عدم یك برنامه مناسب جهت اعزام خبرنگاران خارجی بداخل افغانستان از سوی مجاهدین باعث آن شده تا تمام جنایات رژیم کابل از انظار مخفی بماند.

خلاصه سخن با توجه به نکات فوق ومشکلات داخلی روسیه

# توضیحات ومراجع


۱- از مصاحبه رهبر جمعیت اسلامی افغانستان با خبرنگاران خارجی ۱۳۶۷

۲- از مصاحبه اختصاصی امیر حزب اسلامی افغانستان بانگارنده - میزان ۱۳۶۹

۳- مجله سروش ( ویژه نامه افغانستان) شماره ٦۱ ، سال ۱۳۵۹ - تهران

٤- مصاحبه اختصاصی عبدالحی « حقجو » قومندان جمعیت اسلامی در ولایت بغلان با نگارنده - توپخانه .

۵- پنجشیر دردوران جهاد ، نوشته ع . منصور ، ص - ۱۲۲

٦- مقاله « جنگ افغانستان » ( انگلیسی ) ، نوشته زلمی خلیل زاد مشاور وزارت خارجه امریکا درامور افغانستان ، از مجله «انترنشنل ژورنال » بهار ۱۹۸٦ .

۷-ایضاً

۸- مقاله « افغانستان : ترور مخفی » (انگلیسی ) از مجله « ریدرز دایجست » اگست ۱۹۸٤

۹- مقاله « تاکتیکهای جنگی روس در افغانستان » مجله میثاق خون ، شماره (۲-۳) ۱۳٦۸ .

۱۰ - « جنگ افغانستان » گرد آوری الیوراوا ،ترجه ابوالحسن سرو قد مقدم ص(  )

۱۱- مقاله « تاکتیکهای جنگی روس در افغانستان » مجله میثاق خون ، شماره ( ۲ - ۳ ) ۱۳٦۸ .

۱۲-مقاله « جنگ افغانستان » ( انگلیسی ) نوشته زلمی خلیل زاد از مجله ( انتر نشنیل ژورنال » بهار ۱۹۸٦ .

۱۳- مقاله « تغیر استراتیژی جنگی شوروی در افغانستان » نوشته «متکسی »از مجله «افغانستان آزاد » (انگلیسی ) شماره جنوری ، فبروری ۱۹۸۹ .

۱٤ مصاحبه جنرال آصف ، منتشره « افغانیوز » چاپ کمیته سیاسی جمعیت اسلامی شماره پنجم ، ۱۹۸۹

۱۵- مصاحبه احمد شاه مسعود ، مجله میثاق خون ، شماره ( ۵-٦ ) ۱۳٦٦ .

۱٦-نویسنده خود این رویداد ها را دیده واز بعضی آنها عکس نیز برداشته است .

۱۷- مقاله « استراتیژی شورای نظار » جریده مجاهد ، شماره ۱۲۲ ، ۱۳٦۹ .

۱۸- شدید ترین زد وخوردهای جنگ دوم جهانی در « استالین گراد » شوروی بوقوع پیوسته وبدلیل شدت درگیریهای طرفین درپنجشیر یك افسر شوروی آنجارا «استالین گراد افغانستان » خوانده است . به نقل از فلم « گردهای جنگ »

۱۹- « اسلام ومقاومت در افغانستان » ( انگلیسی ) اثر الیووروا - ص ۲۰۰

(۲۰) جریده مجاهد . مصاحبه رهبر جمعیت اسلامی افغانستان . شماره ۱۲۲

(۲۱) سرمقاله مجله شفق شماره حوت ۱۳٦۸ .

(۲۲) اشاره به اظهارات مکرر احمد شاه مسعود مبنی بردریافت نکردن تسلیحات از خارج .

# شعار ما

رضای خداوند هدف ما

حضرت محمد صلی الله علیه وسلم رهبر ما

قرآن قانون ما

جهاد راه ما

وشهادت درراه خدا ازعالیترین

آرزوهای ماست .

جمعیت اسلامی افغانستان

انجمن نویسندگان وسخنوران

رژیم کابل بمراتب نسبت به مجاهدین آسیب پذیر بوده وچانسی براي موفقیت ندارد و آنچه باعث بقای او تاهنوز شده است بقول احمد شاه مسعود « نه از توانائی رژیم کابل ، بلکه از ناتوانی مجاهدین در بکارگیری نیرو هاست . » بنابرین اگر تنظیم هاي جهادی روی « اجرای عملیات همآهنگ در سراسر افغانستان » متعهد بمانند ، وتوافقات حزب اسلامي وجمعیت اسلاي راجع به رفع تشنجات طرفین از طریق انتخابات جامه عمل بپوشد ، بزودی اوضاع جاري افغانستان به نفع مجاهدین تغیر خواهد نمود و مجاهدین آخرین سنگرکمونیزم را در افغانستان درهم خواهند کوفت .

-----------



عاطفی توضیح وتشریح نموده که در نتیجه شکست وقوای شوروی جنبه رویائی وخیالی بخود میگیرد ومصداق همان ضرب المثل فارسی که گویند « دشمن دانا به از نادان دوست » دوستان جهاد نادانسته تیشه به ریشه خودمیزنند .

تبارز احساسات غلو دربررسی جهاد افغانستان بالای کشورهای اسلامی وسایر ملل دربند که در جستجوی کسب آزادی اند نیز نامطلوب بوده است . مجاهدین تاکنون نتوانسته اند تصویری روشنی از جهاد خود به جهانیان نشان دهند ، تا سرمشق ملل آزاد یخواه جهان قرار گیرد ، بلکه همیشه مفاهیم در لای کلمات وجملات اغراق آمیز سراز پاگم کرده اند . بناءً مردمان خارج وشاید نسل های آینده افغانستان نیز نتوانند بخوبی از آن درس گیرند وعلاوتاً به اثر همین تبلیغات غلط هستند اقوامی که مردم افغانستان را مردمان فوق العاده دارای استعداد جنگی مافوق سایر ملل میدانند که با استفاده از ین نیرو قادر به اضمحلال قوای شوروی شده اند ، وقتی خود را مطابق حرف های شنیدگی نمی یابند احساس میکنند از انجام مبارزه دربرابر استعمارگران عاجز اند که درنتیجه سکوت شان بحالت سابق می ماند وبجای اینکه این حرکت پر فیض ، ملت های مستعضف دیگر را بشوراند ومایه امیدی به دیگران شده بتواند ، متاسفانه بابد معرفی شدن ان ، عمر سکوت آزادیخواهان را طولانی میسازد . وآزادی ایکه باید بزودی بدست آید ، سالها به تعویق می افتد .

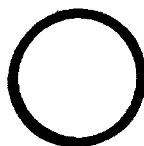
دلچسپ خواهد بود ، تحولات جنگی افغانستان از ابتداء تا امروز مختصراً به تحلیل گرفته شود .وبرای این کار ، بنظرمن بهترین طریقه آنست که تمام دوران جهاد را به سه مرحله عمده تقسیم نموده ،هریك ازآن مراحل را جداگانه به تحلیل وبررسی بگیریم :

مرحله اول : از آغاز جهاد تا تجاوز ارتش سرخ

مرحله دوم : از تجاوز تا فرار

مرحله سوم : از فرار تا امروز

بدون شك درین كشمكش نابرابر ، یكسومردم مسلمان افغانستان ( مجاهدین ) ودرجانب دیگر قوای مشترك شوروی ونیروی های كمونیست رژیم كابل قرار داشته اند ، كه ایجاب مینماید ، درهرمرحله انگیزه ،تعلیم وتربیه ، اقتصاد و آكمالات رهبری ، سازماندهی ، اراضی ، ترانسپورت وارتباطات ،نوع جنگ ونوعیت اسلحه طرفین توضیح شود ، تا در روشنائی آن «تحولات نظامی ، جهاد افغانستان » برملا گردد .



## مرحله اول : آغاز جهاد تاتجاوز ارتش سرخ

بقول حکمتیار امیر حزب اسلامی افغانستان درست ، دوروز بعد از کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ که کمونیستان بهمکاری مستقیم شوروی قدرت را درافغانستان غصب نمودند ، اولین حمله مجاهدین بالای رژیم تره کی درناحیه « تیزین » درحوالی شرق

کابل بوقوع پیوست (۲)

نهضت اسلامی بعد از قیام ناکام ۱۳۵٤ ( در پنجشیر لغمان کنر و پکتیا ) در پشاور مرکزیت داشت وعده ای از افراد آن آموزش دیده وتجربه ای از یك حرکت را درخود اندوخته بودند تعدادی اسلحه دراختیارداشتند که برای روشن کردن شعله جنگ در برابر کمونیستان کفایت میکرد .

قیام در برابر رژیم کمونیست کابل که میخواست ره صد ساله را یکشبه به پیماید وبرای کمونیستی کردن جامعه سخت مسلمان افغانستان مساعی تندی را در پیش گرفته بود . از نواحی شرق افغانستان . ( نورستان ، کنر و... ) آغاز یافت. تعجب نکنید از مجاهدین کسی نام «استنگر »و« سکر» را نشنیده بود ، تفنگ های شکاری ، چوب ، تبرزین ، کارد ،و شمشیر اسلحه مجاهدین را تشکیل میداد و درمقابل رژیم کابل اردوی ۸۰ هزار نفری که از زمان داودی به میراث برده بود دراختیار داشت وعلاوه برآن تعدادی از جوانان ونوجوانان عضو « سازمان دموکراتیك خلق» را به ماشیندار های سنگین و کهنه « پاپشه » که از بقایای جنگ دوم جهانی است مجهز ساخته بود .

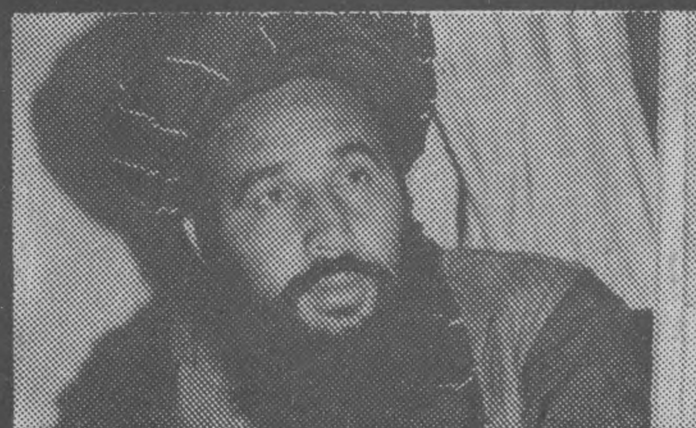
اقدامات علنی رژیم علیه دین مقدس اسلام ، دینی که درعروق وشرائین مردم افغانستان ریشه دارد وتحقیر علمای دینی از جانب کمونیستان وزدن وبستن مردم تحت نام « ضد انقلاب » کافی بود که مردم را دربرابر رژیم نوپای وغیر

مردمی کابل انگیزه قیام دهد وبرای مردم ساده بود که بخاطر اداى یکی از وجایب دینی شان یعنی « جهاد » دست از هستی وزندگی شان بشویند . وکمونیستان بحکم فلسفه کمونیستی وتلقینات حزبی که « تاریخ به پیش میرود! » و« کمونیزم رسیدینست » سراب پیروزی شان را در برابر خواست مردم میدیدند ودل بدان بسته بودند، ولی بزودی قیام ایستاده گی دربرابر کمونیستان درسراسر افغانستان گسترش یافت وتمام دهات وشهرها را فرا گرفت . آنانیکه توان جنگ را درخود داشتند ، خود به صحنه شتافتند ، و عاجزان با دعا وتکبیر توت ونان ،ایشان را همکاری رسانیدند . قیام بقدری همه گیر وشدید شد ، که نهضت اسلامی که در خارج کشور مرکز داشت توان کنترول آنرا ازکف داد وخشم مردم طوفان بپا کرد .

علمای دینی ، جوانان عضو تحریك اسلامی ودربعضی نقاط شخصیت های متنفذ محلی درپیشاپیش مردم برضد کمونیستان قرار گرفتند وتوده مردم با سنن ومشاغل متفاوت تکبیر گویان بالای یورش می بردند . وبا تبر تنه پولادین تانکهای ساخت روس را موردحمله قرار میدادند . درمواردی لحاف را آتش زده تانکهارا حریق کردند وبا بوسیله بمب های دستی خود ساخته که از صابون وتیل پترول ترکیب شده بود ، عراده جات رژیم را از کار انداختند وبا بوسیله لول دادن سنگ های بزرگ از ارتفاعات یکی ، دوتا از عراده های حامل کمونیستان را منهدم میکردند در حالیکه درصف مقابل افسران نوجوان عضو حزب خلق که تازه از






# پیروزی مشت بر شمشیر

## تحولات نظامی جهاد افغانستان

نوشته : عبدالحفیظ «منصور»